

مبانی ارزش‌شناسی تربیت شهروندی در آموزش و پرورش ایران

¹ محمود اروتن
² حسن دیناروند
³ جهانبخش رحمانی

تاریخ دریافت: 98/02/24

تاریخ پذیرش: 98/07/03

چکیده

آموزش و پرورش در جوامع امروزی به عنوان کلیدی‌ترین نهاد آموزشی در جهت توسعه همه جانبه به شمار می‌رود. چرا که در پرتو نظام آموزش و تربیت است که انسان‌ها متحول می‌شوند. آموزش انسان‌ها، مهم‌ترین مسئله جوامع مختلف می‌باشد. و کسانی که در نظام آموزشی ایفای نقش می‌کنند باید انسان‌های فرهیخته و آشنا با ارزش‌های اجتماعی باشند؛ تا توسعه یافتگی و زمینه‌های آن را (از طریق تربیت شهروندان آگاه و مسئول) فراهم آورند. آموزش و پرورش زمانی در رسیدن به اهدافش موفق خواهد بود که بتواند شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق بپرورد و این میسر نیست مگر از طریق آموزش بهینه شهروندی و نیز ارتقا فرهنگ شهروندی. هدف این پژوهش بررسی مبانی ارزش‌شناسی تربیت شهروندی در آموزش و پرورش ایران است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی بوده و از لحاظ جهت‌گیری جزو پژوهش‌های بنیادی طبقه‌بندی می‌شود. روش پژوهش تحلیلی استنتاجی است. ابزار پژوهش نیز فیش‌برداری است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که؛ در تربیت شهروندی اسلامی ایرانی، ارزش‌های اسلامی به تربیت شهروندی سمت و سوی الهی می‌بخشند. این ارزش‌ها از قبیل ایمان، تقوا، آخرت‌گرایی، احترام به هم‌نوع، عدالت، توکل بر خدا و... در تمام شئون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی تأثیرگذارند. هر الگوی تربیت شهروندی متشکل از مؤلفه‌هایی است که مشخص شدن آن‌ها شناخت کامل‌تری را از الگوی مربوطه میسر خواهد ساخت. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به مواردی همچون مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق برنامه، ضرورت برنامه جامع آموزش شهروندی بین خانه، مدرسه و جامعه اشاره نمود.

کلید واژه‌ها: تربیت شهروندی، ارزش‌شناسی، ارزش‌های اسلامی، آموزش و پرورش

¹ دانش‌آموخته دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

² استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد یادگار امام، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران (نویسنده مسئول)

³ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مقدمه

هر جامعه‌ای برای دستیابی به سطوح بالای توسعه‌یافتگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نیازمند برخورداری از نیروی انسانی سالم، آموزش‌دیده و آگاه به حقوق اجتماعی، سیاسی و شهروندی خود است. آگاهی و دستیابی جامعه به حقوق شهروندی¹ در یک پروسه کوتاه-مدت یک ساله و یا حتی یک دهه مقدور نیست. بلکه آموزش حقوق شهروندی به عنوان یکی از الزامات و پیش‌فرض‌های توسعه انسانی، اجتماعی و سیاسی می‌باید به شکل مستمر و برنامه‌ریزی شده در نظام اجتماعی خانوادگی، نظام آموزشی (آموزش و پرورش، دانشگاه-ها، سازمان‌های² مردم‌نهاد و ...) نهادینه شود. اما آنچه روشن است با توجه به ساختار و محتوای نظام آموزش و پرورش و طولانی مدت بودن برنامه‌های آموزشی برای نسل کودکان، نوجوانان و جوانان نسبت به سایر نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به انتظاری که در نظام تعلیم و تربیت در رابطه با پرورش همه جانبه قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان می‌رود، به نظر می‌رسد تربیت اجتماعی و به تبع آن تربیت شهروندی از اهمیت اساسی برخوردار است. امروزه به علت مسائلی همچون تمرکززدایی از قدرت، گسترش فوق‌العاده فناوری اطلاعات، دهکده جهانی و مسائل مشترک جهانی همچون آلودگی محیط زیست، صلح و امنیت جهانی باعث شده که تربیت شهروندی نه تنها در سطح ملی و محلی بلکه در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گیرد (هلد³، 1995: 36).

در تعریف حقوق شهروندی و تربیت شهروندی⁴ می‌توان بیان نمود که حقوق شهروندی در تعریف خود ناظر بر حقوق فردی و رابطه فرد با دولت و نیز حقوق و رابطه او با دیگر شهروندان است و شامل حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی می‌شود. اگرچه شهروندی تنها شامل حقوق نیست و با مجموعه‌ای از تعهدات درقبال آن متوازن می‌شود اما این آگاهی از حقوق شهروندی است که شهروندان را نسبت به

1- Citizenship raights

2- NGO

3- Hold

4- Citizenship education

وظایف خود آگاه و متعهد می‌کند. بنابراین باید نسبت به آگاهی همه مردم، بویژه نوجوانان و دانش‌آموزان به عنوان قشر وسیعی از جمعیت، از حقوق شهروندی‌شان توجه ویژه‌ای مبذول داشت. دانش‌آموزان و نوجوانان به عنوان قشر تحصیل کرده جامعه، در معرض ارتباط فراوان با شعور جمعی¹ و آگاهی عمومی قرار دارند. پس آگاهی آنان از حقوقشان در درجه اول راهی برای عمل به وظایف و تعهدشان است (شیانی، 1394: 4).

آموزش شهروندی یک مفهوم متکثر و چند چهره است که ابعاد مختلفی چون مسئولیت‌پذیری، وحدت و تفاهم ملی، بردباری، قانون‌گرایی، درک و فهم اجتماعی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، صلح‌جویی، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی، مهارت زندگی، برابری و تنوع را شامل می‌شود (اوسلر²، 1997).

تأکید اسلام بر تحقق انتظارات خود از شهروندان از طریق تربیت و درآمیختن حقوق با اخلاق و نیز درآمیختن آگاهی و شعور اجتماعی با تقوا، آزادی با عدالت، پرسش‌گری با بی‌غرضی، مدارا با انصاف و نیز پاسخ‌گویی با حسن ظن است. از همین‌جا و در سایه چنین نگاهی است که با قاطعیت می‌توان گفت: مسئولیت تک‌تک شهروندان نسبت به مصالح عموم و فرد فرد همشهریان خود، کانونی‌ترین نقش را در تعریف و تحقق مفهوم شهروندی دارد. شهروندان در درجه اول انسان هستند؛ بنابراین، خصلت انسان بودن آنان مقدم بر ویژگی شهروندی آنان است. کرامت ذاتی برای انسان منفعتی ندارد، مگر این که انسان در صحنه اجتماع قرار بگیرد و به اصطلاح امروزی عنوان شهروند را پیدا کند. در این موقعیت، صحبت از حفظ کرامت و یا تعدی و تجاوز به کرامت ذاتی انسان به عنوان یک شهروند، معنا پیدا می‌کند. انسان شهروند، واجد یک سری حقوق اساسی و بنیادین است که منبع و مبنای این حقوق کرامت انسان است. پاکیزگی شهر و محیط زندگی، احترام به حقوق دیگران، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی و حق تقدم در تمامی امور شهروندی، آموزش بهداشت عمومی و دفع صحیح زباله و... از جمله عواملی هستند که باید از همان دوران کودکی با آموزش نهادینه شوند، زیرا پس از رشد و بلوغ افراد عادات در آنها تقویت و تثبیت

¹ Collective consciousness

² Osler

شده و تغییر آن‌ها به تمایلات طبیعی ناممکن و دیر است. چامبلیس¹ (1997) می‌نویسد: در هر جامعه ای ارزش‌ها و طرز تلقی‌ها و بینش‌ها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه ای منتقل می‌شود و فلسفه تأسیس نظام‌های تربیتی، پرورش چنین شهروندانی است. نظام تربیتی بیش از هر چیز وظیفه آماده کردن نسل جدید را برای جامعه امروز برعهده دارد و هدف آن نیز این است که افرادی را که می‌خواهند در جامعه زندگی کنند، با اصول، قواعد، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماع آشنا کند البته نه این که کاملاً خود را با آن منطبق کنند بلکه باید بتواند به شناخت جدیدی در فرهنگ خود برسند. پس انتظار عموم از آموزش و پرورش در مرحله اول، این است که دانش‌آموزان را به گونه ای تربیت نمایند که درست در جامعه زندگی کرده و کار مناسب و ارتباط خوبی با مردم داشته باشند و نیز بتوانند مناسبت‌های اجتماعی را درست سازماندهی کنند، هنجارشکنی نکنند (فتحی واجارگاه و واحدچوکده، 1385: 64). گرچه شکل‌گیری و رشد شخصیت افراد یک جامعه الزاما وابسته به تعلیم و تربیت رسمی نیست لیکن باید گفت که بخش اعظمی از رشد فردی و اجتماعی افراد توسط نهاد رسمی آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. در این میان تربیت شهروندان خوب یکی از مهمترین دل‌مشغولی‌های اکثر نظام‌های آموزشی جهان است. جامعه ملی و جهانی کنونی نیازمند حضور انسان‌های آگاه، مسئول، مشارکت‌جو، حساس به مسائل جامعه و علاقمند به تعامل و گفتگو است. لذا باید تعلیم و تربیت رسمی جامعه نیز مطابق با چنین نیازمندی‌هایی، اهداف، روش‌ها و محتوای خود را مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهد. شیوه ای از تعلیم و تربیت که از آن تحت عنوان تربیت شهروندی یاد می‌شود. (تویباس²، 1997؛ به نقل از وزیر و جهانی، 1385: 79).

از نگاه قرآنی انسان در میان مخلوقات از جایگاه ممتازی برخوردار است. اوست که خلقتی متفاوت و برتر از دیگران دارد. روح الهی در او دمیده شده است؛ خلیفه خدا و حامل امانت اوست. در خلقت اوست که خداوند خود را احسن الخالقین می‌خواند. از این رو، انسان ارزش و کرامت ویژه ای دارد. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنْ

¹- Chamblis

²- Tobias

الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء / 70). انسان از چنان جایگاهی برخوردار است که خداوند به ملائکه فرمان می‌دهد که بر او سجده کنند. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر / 28-29). مبناي ارزش انسان در اسلام، در اساس متفاوت با اومانيسم، ليبراليسم و ديگر مكتب‌هاي مادي است. همچنين با توجه به اينکه ارزش انسان ريشه در سرشت و هستي او دارد، ارزش فرد انساني اصيل است و تابعي از ارزش اجتماع نيست. تربيت در جوامع اسلامي ارائه نوعي زيستن است که بر ارزش‌هاي معنوي انسان مبتني است و با ساحت متعالی شخصیت وی مطابقت دارد. این امر با به فعلیت رسانیدن استعدادهاي دروني، در پی پرورش همه جنبه‌هاي شخصیت فرد، يعني ابعاد جسماني، عاطفي، اجتماعي، عقلائي و معنوي وی تحقق می‌يابد.

اهمیت و ضرورت شهروند خوب از آنجا ناشی می‌شود که انسان‌ها همانند جویبارها و نه‌رهای می‌مانند که به تنهایی قادر به ادامه حیات نمی‌باشند و به ناچار باید به دریای جامعه پیوند بخورند و با دیگران بودن را آغاز نمایند، با دیگران بودن چنان اهمیت دارد که برخی با استناد به آن انسان را حیوان اجتماعی می‌نامند. برای اینکه انسان‌ها بتوانند جمع مناسبی را به وجود آورند باید مهارت‌های با هم زیستن را بیاموزند تا در پرتو آن بقای حیات اجتماعی ضمانت پیدا نماید. از این رو بر تک تک اعضاء جامعه واجب است تا بقای حیات اجتماعی به طور مطلوب و توأم با امنیت و آرامش برای یکدیگر مهارت‌های لازم آن را فرا گیرند و با رعایت آن نقش خویش را ایفا نمایند (ملکی به نقل از عباس‌زاده، 1390: 48). تربیت شهروندان خوب نیز یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های اکثر نظام‌های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیا می‌باشد مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که مسئولان تعلیم و تربیت در این کشورها با عزمی راسخ و با تدوین برنامه‌های آموزشی متنوع، تربیت شهروندی را در صدر اقدامات و فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. آموزش شهروندی، بدون برخورداری از یک آموزش همگانی استوار و علمی و نظام یافته که بتواند نقش مؤثر خود را در تربیت شهروندان ایفا کند، معنا و مفهومی نخواهد یافت و دانش‌آموزان، افرادی آگاه و ماهر و مراقبت‌کننده و مسئول و فعال اجتماعی نخواهد شد. برنامه‌های آموزش شهروندی باید فرصت‌های لازم

برای عمل را در اختیار دانش آموزان قرار دهد و به آنان کمک شود تا بارشده انگیزه‌های خود به عمل پردازند و یک سبک زندگی سالم را در طی سال‌هایی که مدرسه هستند تجربه کنند و درونی سازند (فرمیپنی‌فراهانی، 1389: 9).

در زمینه تربیت شهروندی تحقیقات زیادی در ایران و دیگر کشورها انجام شده است؛ اما به رغم این تحقیقات در کشورمان هنوز مسئله تربیت شهروندی و جای دادن آن به عنوان یک مقوله ارزشی مهم در نظام آموزشی با کاستی‌ها و ضعف‌هایی روبرو است که می‌تواند هم ناشی از کم‌اهمیت تلقی کردن و هم عدم به کارگیری نتایج و پیشنهادات راهبردی تحقیقات در این زمینه می‌باشد. از جمله تحقیقات انجام شده در ارتباط با تربیت شهروندی می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد:

نتایج حاصل از پژوهش کاظمی زاده (1394) با عنوان «اصول شهروندی و تربیت شهروند در آیات و روایات اسلامی» حاکی از آن است که آزادی، تکررگرایی، تسامح و تساهل، تفکر انتقادی، قانون‌مداری و مردم‌سالاری از مولفه‌های تربیت شهروندی در آیات و روایات اسلامی است. همچنین امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد روحیه برادری و تفاهم، شناخت و رعایت حقوق انسان‌ها، تقویت سعه‌صدر در معاشرت اجتماعی، پرورش حس احترام به هم‌نوعان و ایجاد روحیه تکریم مومنین از اهداف تربیت شهروندی در آیات و روایات اسلامی محسوب می‌شود. اصل تعامل و مشارکت اجتماعی، آزادی و مسئولیت، عزت، عدالت ورزی، اعتدال، جدایی‌ناپذیری دین از سیاست، حفظ و ارتقای فردیت، غلبه بر خودمحوری و مدارا نیز از اصول تربیت شهروندی در آیات و روایات اسلامی است. در نهایت می‌توان از ویژگی‌هایی مانند حریت، حکمت، تعاون، پایبندی به تعهدات، رحمت، نزاهت، صداقت، عدالت، سماحت و شجاعت به عنوان ویژگی‌های یک شهروند خوب یا ایده آل اجتماعی در آیات و روایات اسلامی نام برد.

چناری و کاظمی زاده (1394) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام و برنارد کریک» نشان دادند که آزادی، تکررگرایی، تسامح و تساهل، تفکر انتقادی، قانونگرایی و قانون‌مداری و دموکراسی از مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام است. همچنین به نظر برنارد کریک، آزادی، بردباری و مدارا، بیطرفی، پذیرش و احترام

به حقیقت و پذیرش و احترام به استدلال و عقلانیت از پایه‌ها و پیشفرضهای تربیت شهروندی هست. نریمانی (1389) در پایان نامه خود با عنوان «بررسی میزان رعایت مبانی، اصول و مولفه‌های تربیت شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی با نظرسنجی از دانش‌آموزان متوسطه شهر اصفهان» به این نتیجه رسیده است که نمی‌توان تربیت مذهبی و دینی را از تربیت شهروندی متمایز دانست و ترویج آموزه‌های اسلامی بر رعایت ابعاد مختلف مولفه‌های تربیت شهروندی موثر خواهد بود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که عوامل دموگرافیک (جنس، سن، منطقه جغرافیایی محل سکونت و تحصیل، نوع شغل و وضعیت اقتصادی خانواده) تأثیری زیادی بر میزان رعایت مولفه‌های تربیت شهروندی ندارد. آشتیانی و همکاران (1385) در مقاله خود با عنوان «لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان»، جای دادن ارزش‌های شهروندی در مقوله‌های فردی، ملی - فرهنگی، هنجارها و هویت مذهبی، هویت جهانی و مشارکت در برنامه درسی دبستان با توجه به سن و پایه را لازم و ضروری دانسته‌اند. آلام و مک لافلین¹ (2010) معتقدند؛ هدف نظام آموزشی بایستی متمرکز بر ویژگی مسئولیت‌پذیری شهروندی از طریق آموزش مشارکت معنادار برای رشد مهارت‌های شهروندی الکترونیک، به نمایش گذاشتن مسئولیت، شرافت، اخلاق و احترام در عین داشتن رویکرد انتقادی و توانائی دخیل شدن در یادگیری به نحوی که نشان‌دهنده مسئولیت جمعی است، باشد.

پژوهش دیگری که در کشور کانادا به وسیله سیرز و وون² (2006) درباره ابعاد آموزش‌های شهروندی انجام شد نشان داد ویژگی‌های ذیل برای شهروند مطلوب لازم است: توانایی مذاکره و مشارکت با دیگران، احترام به تفاوت‌ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی به دست آوردن داده‌ها، داشتن دانش درباره باورهای مستقل، مسئولیت‌پذیری و استقلال، آگاهی از باورها و دیدگاه‌های اساسی احزاب سیاسی عمده کشور و ایدئولوژی و فلسفه سیاسی. چیدو و مارتین³ (2005) در پژوهش خود به نوع دوستی و بشردوستی

¹ - Allam & mac laflin

² - Sears & Vonne

³ - Chedo & martin

دانش آموزان اشاره کرده و آگاهی شهروندی دانش آموزان را در آگاهی های اجتماعی و خدمات اجتماعی بالا دانستند اما آنها نگرشی صحیح و کافی در مورد آگاهی های سیاسی ندارند. احمد (2004) در تحقیقی عنوان «اسلام، دموکراسی و تربیت شهروندی: بررسی برنامه درسی مطالعات اجتماعی در کشور پاکستان» نشان داد که مدل تربیت شهروندی کشور پاکستان به طور عمده بر تربیت مذهب مبتنی است. در این مدل، هدف عمده، پرورش شهروندانی است که از طریق آموزه های قرآن به دولت و محل زندگی خود وفادار بمانند. از دیدگاه هودسن¹ (2003) فلسفه اساسی تربیت شهروندی باید دستیابی به اهدافی چون وفادری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در برابر قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش های بنیادین جامعه نظیر تساوی، برابری، علاقه، مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی باشد. تلیو² (2001) در تحقیقی تحت عنوان «توسعه ارزش های شهروندی: مطالعه موردی در تایوان» نشان می دهد که بدلیل سیاست برنامه درسی ملی، اهداف و رویکردهای مربوط به تربیت شهروندی خیلی خاص و تجویزی هستند. علاوه بر این ارتباط قوی ای بین سیاست ملی و قوانین و پیش بینی های برنامه درسی مدرسه وجود دارد. به نظر می رسد که تجارب آموزشی با هدف ارتقاء استقلال اخلاقی و به واسطه فعالیت های مدرسه پایه ریزی شدند. سرانجام اینکه اگرچه مدیران و معلمان، تربیت شهروندی را مهم و ارزشمند در نظر می گیرند، اما بدلیل اینکه تربیت شهروندی در امتحان ورودی دبیرستان خیلی کم مورد توجه قرار می گیرد، از اولویت پایین برخوردار می باشد.

بررسی های صورت گرفته حاکی از این است که، پژوهشی در خصوص مبانی ارزش شناسی تربیت شهروندی انجام نشده است. بیشتر تحقیقات انجام شده در حوزه تحلیل محتوای کتاب های درسی و نظرات مدیران، معلمان و مربیان مدارس در خصوص میزان استفاده از مؤلفه های تربیت شهروندی در مدارس است. اگر چه تحقیقات انجام گرفته به رفع ابهامها

¹ - Hodsen

² - Tlyo

در این حوزه موضوعی کمک نموده است، اما از آنجا که تربیت شهروندی با ایده‌ال‌ها و جهان‌بینی ملت‌ها آمیخته است، بررسی و تحلیل مبانی ارزش‌شناسی تربیت شهروندی در کشور ما یک ضرورت به نظر می‌رسد. همچنین معضلات و مشکلاتی چون عدم آگاهی افراد از حقوق شهروندی، عدم فراهم‌سازی امکانات توسط دولت‌ها جهت رفاه و بهره‌برداری جامعه از حقوق خاص شهروندی، کم‌توجهی به عدالت اجتماعی و موارد دیگر موجب گردیده تا نگارندگان با بیان این مسائل و مشکلات در شفاف‌سازی موضوع این پژوهش، پردازند.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که تحقیق حاضر با مبانی فلسفی (ارزش‌شناسی) تعلیم و تربیت سر و کار دارد و در حوزه مطالعات نظری و فلسفی است، در ردیف تحقیقات کیفی قرار دارد. بنابراین در این پژوهش روش تحقیق کیفی و از دیدگاه شیوه انجام تحلیلی استنتاجی می‌باشد. یکی از حوزه‌هایی که می‌توان در آن در کنار سایر حوزه‌های تحقیقاتی از روش کیفی استفاده نمود، حوزه مطالعات نظری و فلسفی است، در این نوع تحقیق محقق می‌تواند با مطالعه اسناد و مدارک مکتوب موجود به تحلیل و تفسیر مسئله مورد تحقیق از ابعاد گوناگون پردازد (حافظ‌نیا، 1382، ص 233). پژوهش حاضر بستر بررسی خود را تبیین مبانی ارزش‌شناسی تربیت شهروندی در اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت ایران قرار داده است. پژوهشگر برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای، اسنادی و از فرایند فیش‌برداری جهت ضبط و ثبت مطالب استفاده می‌کند. در این فرایند ممکن است عین مطلب به صورت نقل قول مستقیم، برداشت پژوهشگر از مطلب و یا به صورت نقل قول غیر مستقیم و ترجمه از زبانی به زبان دیگر باشد.

حوزه ی پژوهش: هرچند جامعه و نمونه آماری در تحقیقات کیفی مطرح نیست اما می‌توان گفت که حوزه ی این پژوهش شامل آیات مرتبط قرآن کریم، نهج البلاغه، متن قانون اساسی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی و کلیه مقالات، کتاب‌ها و رساله‌های مقاطع تحصیلات تکمیلی مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد و نمونه‌گیری ما در

این تحقیق از نوع نمونه گیری هدفمند است؛ زیرا محقق اقدام به انتخاب مواردی که از لحاظ اهداف تحقیق اطلاعات غنی دارند (همانند آثار و تالیفاتی که محقق به آنها دسترسی پیدا کرده است) می نماید.

در ابتدا به تعاریف مفاهیم پرداخته می شود و سپس به بررسی مبانی مرتبط با پژوهش پرداخته می شود.

حق: حق، امتیازی است که قانون به کسی می دهد و از آن پشتیبانی می کند (ساکت، 1386، 47 و 45). حق، یعنی قدرت، امتیاز، سلطه یا خواسته‌ای که قانون برای افراد می شناسد (پیرهادی، 1375: 14)

شهروند: کسی است که دارای موقعیت انسانی و اجتماعی ویژه‌ای باشد و مناسبات میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان را به خوبی درک کند "پدیده شهروندی در تقابل با پدیده دولت معنا پیدا می کند" (پیرهادی، 1395: 22). به عنوان اینکه شهر یک پدیده جامعه-شناختی است. جامعه شناس با پدیده‌های بسیار گوناگونی سر و کار دارد. که عبارتند از: شبکه ارتباطی خانه‌های شخصی، مجتمع‌های مسکونی، انجمن‌های محلی، شوراهای شهری و محلی، شهرداری، اماکن عمومی و معظلات همچون بی‌نظمی‌ها، تکدی‌گری، آلودگی صوتی، حمل و نقل شهری و ترافیک و معظلات آن (پیرهادی، 1395: 26).

تربیت شهروندی: تربیت شهروندی عبارت است از؛ رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت، تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه در زندگی؛ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. این نوع تربیت شامل؛ حقوقی انسانی، رشد مستمر و همه‌جانبه، اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت‌جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوت‌ها می باشد (آشتیانی، 1393). به تعبیر تورنی تربیت شهروندی، فرآیند انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از نسلی به نسل دیگر است. این انتقال شامل مواردی چون؛ آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، باور به ارزش‌های بنیادی (مانند؛ حاکمیت قانون و تساهل و تسامح)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت‌های لازم برای فهم سیاست‌های عمومی و نظارت بر آنها می شود (شارع پور، 1386: 317).

مفهوم آموزش شهروندی: آموزش شهروندی یک مفهوم متکثر و چند چهره است که مفاهیم اخلاقی، زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، مباحثی مثل مردم سالاری حقوق، احترام، برابری، آموزش اخلاق و مهارت زندگی را شامل می‌شود. آموزش شهروندی به میزان وسیعی شامل آماده سازی جوانان برای انجام نقش‌ها و مسئولیت‌هایشان به عنوان شهروند است (افروغ، 1387: 95).

ابعاد آموزش شهروندی: آموزش شهروندی را می‌توان درسه بعد شناختی یا دانشی، عاطفی یا ارزشی و رفتاری تقسیم کرد. درحوزه شناختی یا دانشی تربیت شهروندی مستلزم فراهم آوردن اطلاعاتی درباره ساختارحکومت، روابط حکومت و مردم و ساز و کارهای توزیع قدرت است درواقع درحوزه شناختی دانش آموزان به آگاهی شهروندی دست می‌یابند. آگاهی شهروندی شامل ایده‌ها و اطلاعات اساسی است که برای تبدیل دانش آموز به یک شهروند مسئول و مؤثر لازمند. دربعد عاطفی یا ارزشی یا فضیلت‌های شهروندی، مواردی همچون احترام و ارزش به شأن و حرمت افراد، میهن پرستی خودانضباطی تساهل و همبستگی یا وحدت، احترام به حقوق دیگران تمایل به نقادی می‌باشد. درحوزه رفتاری یا مشارکت، تربیت شهروندی مستلزم فراهم آوردن مهارت‌های لازم برای زیستن درجامعه شهروندی است. توانایی انجام گفتگو مؤثر با دیگران، شرکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی و فعالیتهای اجتماعی همچون رأی دادن است (فرمینی فراهانی، 1389: 44).

تاریخچه شهروندی و آموزش شهروندی:

برای ریشه‌یابی مفهوم شهروند، حقوق شهروندی و دولت به لحاظ تاریخی، می‌بایست به قرن‌ها پیش بازگشت. خاستگاه اصطلاحات شهروند در یونان باستان بوده و سپس در بستر اجتماعات غربی و براساس اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلف روال تحول را طی کرده است و متناسب با ارزش‌های حاکم برآن جوامع و نظام‌های سیاسی و اجتماعی شکل گرفته است. اولین شهرهای مستقل متکی به شهروندی یا پلیس‌ها دربین‌النهرین و به‌طور دقیق در تمدن سومر شکل گرفته و پا به عرصه حیات گذارده است (پیرهادی، 1395: 17)

اولین فیلسوف و متفکر سیاسی که به مفهوم شهروند در تئوریهای سیاسی پرداخته است افلاطون بود. وی در کتاب جمهور شهروندان را یکی از محورهای اصلی تأسیس دولت و

حکومت مطلوب قرار می دهد. ارسطو نیز شهروند را کسی می داند که در حکمرانی و فرمانبرداری سهیم باشد. نقاط عطف مفهوم شهروند و شهروندی آتن سده چهارم، دوره رنسانس، استقلال آمریکا و انقلاب فرانسه است. ارسطو نیز بر این عقیده است که انسان به عنوان شهروند در دولت شهرکسی است که در تصمیم‌گیری در امور عمومی جامعه مشارکت دارد و متناوباً در اعمال قدرت نیز شرکت می‌کند، در غیر این صورت انسان حیوان زبان بسته ای خواهد بود. او درباره آموزش شهروندی درجایی می‌گوید: در این باره همگان متفقند که آموزش و پرورش کودکان ازمسائلی است که بیش از هر چیز دیگر باید محل اعتنای قانونگذار باشد. اولاً غفلت از امر تربیت همیشه به حکومت ها سخت زیان می‌رساند. آموزش و پرورش شهروندان هر حکومت باید به شیوه ای متناسب با مبانی و اصول آن حکومت انجام گیرد (برخورداری و جمشیدیان، 1387: 24 و 25).

در قرون بعد نیز بسیاری از فیلسوفان و اندیشمندان، بر نقش تعلیم و تربیت در پرورش شهروندان تأکید کرده اند. در این میان روسو به عنوان یک فیلسوف انتقادی نظریه جدیدی را در این باب ارائه داد. رسو کار تربیت را بیش از هر چیز، دورنگه داشتن طبیعت انسانی از پلیدی‌های جامعه می‌شمرد. در چشم او جامعه در راه خود به سوی تمدن همواره از طبیعت انسانی دور شده است، از این رو هرگونه تأثیر آن بر انسان طبیعی یعنی کودک، اثری تباہ کننده بود یعنی به نظر رسو جامعه باید چنان برپا گردد که بنیان آن بر حق و آزادی انسان باشد. هم تربیت باید چنان راهی بی‌ماید که با راه طبیعت ناسازگار نباشد. رسو در نوشته ای برجسته ملی و میهن آموزش و پرورش تأکید کرده می‌گوید: آموزش و پرورش است که باید مردم را به ملت بدل کند و حس میهن پرستی را در آنان پیورود (فرمیهن فراهانی: 1389: 56).

جان دیویی مربی ترقی خواه آغاز قرن بیستم نیز معتقد بود که رسیدن به اهداف مردم سالاری یعنی آزادی، برابری و ترقی تنها از طریق آموزش های آزادمنشانه امکان پذیر است. وی که از دیدگاه فلسفه سیاسی، دموکراسی را شایسته ترین قسم زمامداری می‌شمارد و نام کتاب اصلی او در فلسفه آموزش و پرورش "دموکراسی و آموزش و پرورش" است. کارائی و ناکارائی دموکراسی را وابسته به چگونگی آموزش و پرورش دانسته و دموکراسی را تنها یک روش سیاسی برای اداره جامعه نمی‌داند بلکه بیش از هر چیز، آنرا یک روش زندگانی

می‌داند و بر این نکته تأکید میکند که اگر دموکراسی به بافت زندگی اجتماعی راه نیابد از نظر سیاسی نیز پایدار نخواهد بود (برخورداری و جمشیدیان، 1387: 26 و 27).

اما رواج ویژه مفهوم شهروندی و جامعه مدنی در زمان معاصر، غالباً به اندیشه‌های سیاسی متفکران اروپایی قرن هفدهم به خصوص تامس هابز و جان لاک برمی‌گردد که در نزد آنان، جامعه مدنی ناظر به جامعه‌ای است که در آن علاوه بر حاکمیت قانونی درحوزه‌های عمومی، درحوزه حقوق اختصاصی افراد نیز برقرار است. هابز بر آن بود که افراد، بخشی از حقوقی را که در وضع طبیعی از آن برخوردارند، به حاکم واگذار می‌کنند و به این ترتیب، حکومت به ظهور می‌رسد. اما مواردی از حقوق آنان همچون آزادی خرید و فروش و معاملات بایکدیگر، آزادی گزیدن خوراک، مسکن و شغل و آزادی آموختن فرزندان به شیوه‌ای که صلاح می‌دانند. به عنوان حقوق خصوصی برقراری ماند (فرمینی، 1389: 25).

در طول قرن نوزدهم و بیستم، سه پیشرفت قوی سیاسی، آموزش شهروندی را تبدیل به مهم‌ترین موضوع برای دولت کرد و تدریس سیاست‌گذاری را در تعداد بی‌شماری از کشورها پایه‌ریزی کرد. این پیشرفت‌ها شامل تغییر و تحول در اشکال پارلمانی قانونی با حدود ثابت شهروندی می‌شد. حس روبه‌افزایش ملی‌گرایی و اخلاق‌گرایی و فرآیند استعمارزدایی هم در این زمره بود. در قرون اخیر با پایداری مفاهیم جدید "ملت و ملیت‌گرایی" و تحولاتی که در عرصه سیاسی و اجتماعی رخ داد، شهروندی به کسی اطلاق می‌شود که عضو یک کشور باشد. کشوری که با فرهنگی مشترک و غالباً زبان رسمی واحد مشخص می‌شود. اما شکست این ایده از آموزش شهروندی در آلمان و با جنگ جهانی دوم تجسمی تام یافت به عبارت دیگر، این نکته آشکار شد که آموزش شهروندی به عنوان فردی متعلق به فرهنگی مشترک و مستحیل در آن، ممکن است منجر به ظهور اقتدارگرایی شود. مشکلات آموزش شهروندی در مفهوم ملیت‌گرایانه آن باعث شد که تحول مفهومی در باب آموزش شهروندی در دهه اخیر صورت گیرد. اولین دگرگونی توسط مکتب فرانکفورت مطرح شد و دومین تحول نیز با ظهور گرایش‌های پست‌مدرنیسم مورد توجه قرار گرفت. در این دیدگاه، آموزش شهروندی مطلوب تنها در اعراض از فرهنگ پذیر کردن دانش‌آموزان و روی آوردن به تعلیم و تربیت‌رهای بخش صورت خواهد پذیرفت. مهم

ترین مشخصه این نوع نگاه به شهروندی، آزادانه سخن گفتن در باب بن‌بست‌های فرهنگی و اجتماعی و نقادی درباره آن و به تعبیر هابرماس، فراهم کردن موقعیت‌های آرمانی گفتگو است. در گرایش پست مدرنیته، آموزش شهروندی در بستر دموکراسی کثرت‌گرا مطرح شده است. در این نوع دموکراسی که در برابر دموکراسی اجتماعی قرار می‌گیرد، آموزش شهروندی مستلزم به رسمیت شناختن اقلیت‌ها و خرده فرهنگ‌هاست. به عبارت دیگر، در این دیدگاه شهروند لزوماً کسی نیست که به فرهنگ مشترک و لوازم آن معتقد باشد، بلکه کسی است که در حیطه قانون از آزادی فکر و اعتقاد، آزادی بیان، آزادی انتخاب شغل، مسکن و آزادی‌هایی از این دست برخوردار است. از این تمایل کثرت‌گرایانه گاه با عناوینی چون "شهروند جهانی" و "شهروند بین‌المللی" یاد می‌شود.

با مرور مطالب گفته شده می‌توان تحولات مفهوم شهروندی را در دو قطب اقتدار و مسئولیت دولت جستجو کرد. به عنوان نمونه مفهوم ملیت‌گرایی از نوع تأکید بر اقتدار دولت است. در این نوع تصور همت اساس نظام تربیتی بر آن است که نسل نور را با معیارها و ضوابط فرهنگ مشترک جامعه همراه سازد. در این مفهوم هرگونه انتقاد نسبت به وضع موجود به منزله تضعیف اقتدار دولت است. از سوی دیگر، قطب دیگر یعنی عنصر مسئولیت دولت در قبال خواست‌ها و حقوق شهروندان در کانون تأکید قرار می‌گیرد چندان که نقادی نسبت به فرهنگ مشترک مایه اساس تربیت شهروندی قرار می‌گیرد. این جهت‌گیری در دیدگاه حامیان مکتب فرانکفورت ملاحظه می‌شود. در خصوص تربیت شهروندی به نظر می‌رسد که باید بین این دو مفهوم توازن برقرار کرد (فرمبینی فراهانی، 1389: 28 و 29).

حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام:

با توجه به کرامت و ارزش ذاتی انسان در مکتب اسلام، می‌توان گفت که در این مکتب تعریفی با معیارهای امروزی برای شهروندی وجود ندارد. اسلام ضمن ارج نهادن به کرامت انسان‌ها چه مسلمان و چه غیرمسلمان، پیروان دین اسلام را امت واحد می‌داند؛ «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون / 23). لذا در نظام سیاسی اسلام، مسلمانان به مانند پیکر واحدی هستند که در این پیکر تمامی اعضا به یک اندازه مهم هستند. آنچه امروزه

از آن به عنوان شهروندان ملی و جغرافیایی یاد می‌شود، در اسلام حجتی برای آن وجود ندارد. در اسلام، معیار عقیده است که مرز میان مسلمان و غیر مسلمان را جدا می‌کند. قرآن کریم مؤمنان به اسلام را برادران دینی می‌داند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»؛ (حجرات/49): که شعوبیت و قومیت صرفاً جهت تمایز آنان از یکدیگر است و برتری اهل ایمان بر یکدیگر فقط در تقرب به خداوند و پرهیزکاری است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/13).

علامه طباطبائی (ره) مرز جامعه اسلامی را این‌طور ترسیم می‌کند: اسلام جامعه‌ای را بنیان نهاده که مرزهای آن را عقیده تعیین می‌کند، نه وطن و نژاد و امثال آن. (طباطبائی، 1417ق، ج 4، ص 133) البته اصطلاح امت و دولت اسلامی، به معنای طرد و دفع غیرمسلمانان از جامعه اسلامی نیست؛ چنان‌که در طول تاریخ اسلام و در حکومت پیامبر اسلام و امام علی (ع) یهودیان و مسیحیان در سایه حکومت اسلامی زندگی می‌کردند و از احترام و ارزش مساوی به عنوان یک انسان برخوردار بودند؛ هرچند که شهروند دولت اسلامی نبود. امام علی (ع) در نامه تاریخی خود به مالک اشتر جهت زمامداری سرزمین مصر تأکید می‌کنند که تمام مردم باید در نظر تو مساوی و برابر باشد؛ «فإِنَّهُمْ صِنْفَانِ؛ إِمَّا أَحَدٌ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (دشتی، 1389، نامه 53). ایدئولوژی اسلام توانسته است ضمن ارج نهادن به هویت فردی انسان، نقش سازنده او را در فعالیت‌های اجتماعی گوشزد کند. در اسلام، انسان موجودی اجتماعی است که البته اجتماعی بودن او را باید با فردیت او به عنوان یک انسان و یک مسلمان در نظر گرفت. بنابراین، در اسلام دامنه اصطلاح شهروندی بسیار گسترده‌تر از مفهوم امروزی است و می‌توان گفت: آنچه امروزه قیودات و شرایطی را برای شهروندی در نظر می‌گیرند، اعتباراتی بیش نیستند که حجت شرعی و اسلامی برای آن وجود ندارد. اسلام تعامل شهروند مسلمان در برابر حکومت اسلامی را تأیید می‌کند و برای آن حقوق و مسئولیت‌هایی را در نظر می‌گیرد. به‌طور کلی، «با وجودی که دین اسلام، عملاً به پیروان خود در سراسر جهان، ملیت ویژه‌ای بخشیده و همه را در زیر یک شعار و پرچم درآورده است، مع ذلک وابستگی آنان را به سرزمین، تاریخ و فرهنگ ملی خود انکار نکرده است» (بوازار، 1358: 113). در فرهنگ اسلامی با تأکید بر انجام مناسک عبادی به صورت

جمعی زمینه هرچه بیشتر ایجاد تعاملات اجتماعی، گسترش روابط عاطفی بین دینداران، احساس مسئولیت در برابر برادران دینی، مشارکت اجتماعی، هویت بخشی، ایجاد وجدان اخلاقی در پی نهادینه شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی فراهم شده است. همچنین به خاطر نوعی مصونیت درونی که ناشی از نهادینه شدن ارزش‌های دینی و احساس حضور در محضر خدا و همچنین شرکت در این مناسک جمعی که منجر به نوعی نظارت بیرونی و اجتماعی است، بسیاری از نابهنجاریها، کجروی‌ها و جامعه ستیزی کاهش خواهد یافت. بنابر این مفهوم شهروندی در جهان بینی اسلامی تبدیل به امری ارزشی و عبادی و دینی می‌شود که چنین بستری باعث می‌شود افراد نه تنها مشارکتی مسئولانه و آگاهانه در امور اجتماعی داشته باشند بلکه در موارد حساسی که بنیان جامعه در خطر باشد حاضرند از جان و مال خود بگذرند، که می‌توان به جان‌فشانی شهروندان ایرانی در طول جنگ تحمیلی اشاره کرد (شرفی و طاهر پور، 1387: 52).

در مدینه النبی، معیار عضویت در جامعه اسلامی (شهروندی به زبان امروزی) یکی از دو چیز بوده است؛ مسلمان بودن یا پیمان پذیر بودن. بدین ترتیب امت مسلمان و امت یهود مدینه، در عین حفظ استقلال جامعه ی دینی خود، جامعه ی سیاسی واحدی را به وجود می‌آورند و پیامبر (ص) وحدت دینی را جایگزین وحدت قومی می‌نماید و پیروان سایر ادیان الهی را به شرط پیمان به عضویت جامعه سیاسی در می‌آورد. با نزول آیات سوره توبه و تشریح پیمان ذمه، عضویت قراردادی در جامعه، از یهودیان مدینه فراتر رفته و سایر اهل کتاب را نیز در بر می‌گیرد و آنان نیز در پرتو پذیرش پیمان ذمه در جامعه ی اسلامی و نه امت مسلمان عضویت می‌یابند (دانش پژوه، 1381: 27).

در بعد رفتارهای فرهنگی - ملی نقش آموزش و پرورش رسمی که به لحاظ پالایش ارزش های اجتماعی برای رفع نیازها با شناخت استعداد فراگیران و باروری آن با توجه به فرهنگ جامعه برنامه ریزی می‌کند بسیار حائز اهمیت است. از آنجا که محور یادگیری دانش آموز است، بنابراین توجه به ارزش های فرهنگی یادگیرنده از یک سو و هم جهت کردن آن با ارزش های فرهنگی - ملی و آماده کردن آن برای سازگاری با جمع یا جامعه پذیری از سوی دیگر، اهمیتی خاص دارد. تحقق این مهم از طریق تدوین برنامه

های درسی است. شناساندن ارزش‌های فرهنگی - ملی و آگاهی از میراث فرهنگی مشترک از طریق برنامه‌های درسی به دانش‌آموزان زمینه‌شناسایی ارزش‌های برتر را نیز برای او فراهم می‌آورد. از طریق شناخت فرهنگ‌ها و قرار دادن مفاهیم آموزشی در قالب ارزش‌ها و ایجاد حس قیاس در فراگیرنده و اعتلای جامعه و تقویت شهروندی، یک شهروند که در سازندگی جامعه مؤثر است، پدید می‌آید (عسکریان، 1385: 134).

گرچه در هر جامعه‌ای ارزشهای خاصی از طریق فرهنگ آن جامعه به شهروندان منتقل می‌گردد، اما در صورتی که شهروندان مجهز به ابزار استدلال نباشند و نتوانند در پرسش و پاسخ با دیگران برای دفاع از ارزشهای خود مشارکت کنند، در نهایت ممکن است در ارزشهای خود متزلزل شوند. لذا آموزش تفکر نقادانه و مهارت در گفتگوی سقراطی ضرورت خود را به خوبی نشان می‌دهد (چناری، 1387: 150). واقعیت کنونی جامعه ایران و در نظر گرفتن شرایط و امکانات فعلی در ایران و توجه به استعدادها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و سطوح دانشی موجود در میان کودکان و نوجوانان امروز، می‌تواند در هدایت عاقلانه ما به سوی جامعه اسلامی رهگشا باشد. رشد روزافزون توجه به سنت‌ها و ارزش‌های ملی و در کنار آن حرکت جامعه به سوی ارزش‌های اصیل اسلامی که در قرآن و کلام و سیره پیشوایان اسلام نهفته است، به خوبی مشهود است (کیشانی فراهانی، فرمehینی فراهانی، رهنما، 1392: 56).

ارزش‌ها از نظر اسلام: ارزش‌های حاکم بر هر جامعه، اساس و پایه رفتارهای اعضای آن را تشکیل داده و معیار ارزیابی رفتارهای انسانی، از طیف پسندیده تا نکوهیده قرار می‌گیرند. بنابراین، شناخت ارزش‌ها و مبانی آنها، به ترویج، گسترش و استحکام هر چه بیشتر ارزش‌ها و اخلاق فردی و اجتماعی منجر خواهد شد. دین مبین اسلام، آخرین شریعت الهی است که بر انسان‌ها عرضه گشته تا آنان را به سرمنزل سعادت و خوشبختی رهنمون سازد. به دلیل این خاتمیت، اسلام دارای برنامه جامع زندگی برای تمامی انسان‌ها و در همه دوران‌ها است؛ برنامه‌ای مبتنی بر ارزش‌هایی مطلق، همیشگی و جهان‌شمول که برای درک بهتر آنها، آگاهی از نوع نگاه اسلام به انسان و معرفت ضروری است. یکی از کارهای فلسفه در عصر ما بررسی ارزش‌ها یا آنچه در یک اجتماع یا اجتماعات انسانی

بازرزش تلقی می شود، است. آنچه در زمینه گسترش میراث فرهنگی، در بهبود روابط انسانی و تحکیم حقوق و آزادیهای فردی و حفظ آرمانهای بشری با تلاش فیلسوفان و دانشمندان مشخص و روشن گردد، پایه و اساس ارزشها را تشکیل می دهد. تقویت روح هنری و تحکیم شخصیت اخلاقی، هدف و اساس تعلیم و تربیت تلقی می شود. ارزش-شناسی در زمینه اخلاقی مستقیماً با فعالیتهای تربیتی ارتباط دارد. آنچه معلم در زمینه تعلیماتی، در ارتباط شاگردان، درباره اظهارنظرها و قضاوتها، در ارزش‌سنجی کار شاگردان و فعالیت‌های گروهی انجام می دهد جنبه اخلاقی دارد. بدون تردید ارزشها، مخصوصاً ارزش‌های اخلاقی رکن اساسی زندگی آدمی را تشکیل می دهند... غفلت در پرورش اخلاقی موجب پیدایش افرادی لأبالی، متعصب، خودخواه و بی اعتنا به روابط انسانی می گردد (شریعتمداری، 1393: 153-154).

مبانی تربیت شهروندی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی خدامحوری: خدامحوری به‌عنوان یک مبنای ارزشی در فلسفه تربیت اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است؛ در مکتب اسلامی، همه فعالیت‌های بشری زمانی به نتیجه در خور می‌رسد که در محور توحیدی قرار گیرد (حیدری و همکاران، 1392: 32). خدامحوری، به این معناست که انسان نه تنها در فعل و ترک فعلش باید گوش به فرمان خدا باشد، که در اراده و تصمیمش نیز باید حکم خدا را اطاعت کند. به عبارت دیگر، مراد از خدامحوری، داخل شدن در ولایت الهی و وقوف در موقف عبودیت و سیر در آن مسیر است؛ به گونه ای که عبد در مرحله تشریح، مشیت خود را تابع مشیت خدا کند، همان گونه که در مرحله تکوین، مشیتش تابع مشیت خداست (طباطبائی، 1417ق، ج 18: 333). اولیای الهی آن گاه که می‌خواستند به کرامت انسانی خود افتخار کنند، به بندگی خود مفتخر بودند. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: خدایا این عزت مرا کفایت می کند که بنده تو باشم و این فخر مرا بس است که تو پروردگار من باشی (مجلسی، 1403ق، ج 91: 94، ح 10).

Ø عدالت محوری: عدالت از مهم‌ترین، برجسته‌ترین و والاترین پایه‌ها و استوانه‌های ارزشی و انسانی اسلام به شمار می‌رود. با سیری کوتاه در آیات و روایات، به وضوح دریافت می‌شود که فضای اسلام است، فضای عدالت است (میرمدرس، 1380: 12).

❖ تقوا محوری: یکی از مبانی ارزشی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام؛ تقواست. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/ 13). امام رضا (ع)، تقوا را بهترین وسیله برای نجات می‌داندست. و آن حضرت هم خود اهل تقوا بود و هم تلاش می‌کردند تا دیگران را به تقوا وادار سازد. حضرت امام رضا (ع) چنین می‌اندیشید که تقوا سبب شرافت و آبرومندی است. آن کس که در زندگی خود با تقوا باشد می‌تواند صاحب عزت و آبرو شود. از این‌رو امام (ع) خود نگهداری در برابر گناهان و لغزش‌ها و رفعت‌شان خود را در گرو اطاعت از پروردگار می‌دانست (صدوق، 1404ق، ج 2: 226).

❖ کرامت محوری: از دیرباز درباره انسان و کرامت وی نکته‌ها و سخنان فراوانی بیان شده است. مسئله‌ای که در زمان خلقت حضرت آدم، فرشتگان آن را مطرح کردند و با طرح پرسشی مودبانه، کرامت خود را ابراز کردند و حضرت حق جل و جلاله در جواب آنان بر کرامت و ارزش انسان اشاره فرمودند. به این موضوع ادیان و مکتب‌های گوناگون اعم از فلسفی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، حقوقی و سیاسی پرداخته و بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند و امروزه در گفتار و نوشتارهای گوناگون حقوق بشر به جایگاه و ارزش انسان اشاره شده است. اسلام به کرامت انسان به تفصیل پرداخته، به آن ارزش ویژه‌ای داده است. در اسلام کرامت انسانی اصل پذیرفته شده در روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی است (سیدی نیا، 1387: 117).

❖ هدف اساسی آموزش شهروندی در هر جامعه‌ای، انتقال مجموعه‌ای از دانشها، ارزش‌ها و جهت‌گیریهای رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است. لذا آموزش شهروندی به دنبال جلب حمایت جوانان از فرهنگ مدنی جامعه است که این امر از طریق فرآیندهای آموزشی تحقق می‌یابد (حاجی پور، 1389: 46).

نقش رفتاری آموزش شهروندی به شهروندان یک جامعه را می‌توان در پنج بعد خلاصه نمود:

1. نوع دوستی که شامل رفتارهای یاری‌دهنده و کاملاً داوطلبانه به منظور کمک به شهروندان می‌باشد.
2. جوانمردی که در این بعد شهروندان همراه با رفتارهای جوانمردانه خود سعی بر این می‌کنند که خرده‌جویی‌ها و خرده‌گیری‌ها را نسبت به یکدیگر کاهش دهند.
3. خوش‌خویی نمونه دیگری از آموزش رفتارهای شهروندی نسبت به یکدیگر است که باید به صورت مشارکت فعالانه و مسئولانه بین شهروندان توسعه داد.
4. ادب و مهربانی بعد دیگری از رفتارهای شهروندمدارانه نسبت به یکدیگر است، این رفتارها مانع ایجاد مشکل و مساله در محیط‌های مختلف زندگی شهروندان خواهد شد، در واقع نقش و احترام و تکریم یکدیگر شهروندان و رعایت حقوق شهروندان نسبت به یکدیگر در گسترش این نقش رفتاری بسیار مؤثر است.
5. وظیفه‌شناسی: بخش دیگری از رفتارهای شهروندمداری است که باید در قالب برنامه‌های درسی و غیردرسی به دانش‌آموزان و دانشجویان و سایر افراد جامعه آموزش داد که این بعد دینی تلاشی فراسوی الزامات رسمی است که هر فردی باید در جهت همیاری همکاری و توسعه همه‌جانبه خود در خود بوجود آورد» (هویدا و نادری، 1388: 105-106).

با توجه به تشریح و بسط ابعاد رفتاری آموزش شهروندی، این پدیده اجتماعی نقش بسیار بارزی در بسط و گسترش سرمایه اجتماعی دارد و منجر به توسعه جوامع بشری گردیده است. در واقع نقش چنین تعلیماتی رابطه تنگاتنگی با رفتارهای اخلاقی و اخلاق دارند، براین اساس نهادهای آموزش‌های شهروندی منجر به بروز شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی شده است. نظام آموزش و پرورش هر جامعه از آن رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و مطلوب را متناسب با نیازها و ارزش‌های اجتماعی تربیت کند و تحویل جامعه دهد. در حقیقت؛ وظیفه آموزش و

پرورش، تربیت شهروندانی است که بتوانند برای رشد و شکوفایی جامعه مردم سالار و تجدید بنای آن تلاش کند (منافی شرف آباد و همکاران، 1392: 79).

تربیت شهروندان در هر کشوری متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که هر یک از آنها در شکل دادن آموزش‌های شهروندی نقش حیاتی ایفا می‌کنند. آن چنان که سدلر بیان می‌کند؛ نمی‌توان تربیت شهروندان یک جامعه را به طور انتزاعی و دور از حوزه نفوذ فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت و مجموعه منسجمی از عقاید و آرای تربیتی قالب در آن جامعه را به محک تجربه و آزمایش گذاشت (آقازاده، 1385: 48).

بی‌تردید دانش مدنی و آگاهی‌های اجتماعی از منابع متعددی بدست می‌آید. خانواده، رسانه‌های جمعی، گروه‌های سیاسی و غیره در شکل‌گیری دانش، ارزش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز شهروندی نقش بسزایی دارند. با این حال نظام آموزشی به عنوان نهادی اجتماعی مناسب‌ترین ابزار برای آگاهی‌های مدنی و تربیت شهروندی به حساب می‌آید. مدرسه کانال و مجرای مؤثر برای انتقال مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌های اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی - ملی است. نظام آموزشی فرصت‌هایی را برای فراگیران تدارک می‌بیند تا بتوانند ارزش‌ها و باورهای مختلف را از دیدگاه‌های متفاوت مورد آزمون قرار دهند. این‌که شهروندان بتوانند از نقش خود آگاهی یافته و به آن ارج نهند و نیز مشارکتی فعال در مصالح ملی داشته باشند دلیل محکمی برای این موضوع است که نظام آموزشی باید در زمینه شهروندی به آموزش افراد مبادرت بورزد (جمالی تازه کند و همکاران، 1392: 3).

اهمیت تربیت شهروندی تا بدانجا است که هاپر می‌گوید هدف اصلی نظام آموزشی، تعلیم و تربیت نقش شهروندی (مهرداد، 1376: 42) و دغدغه اساسی در تربیت شهروندی باید تعالی بخشی باشد تا بواسطه چنین تعلیم و تربیتی شهروندان آگاهانه، فعال و پرسشگر بتوانند در مسائل اجتماعی مشارکت نمایند (شاگرانسکی و پیمیرز¹، 2003: 5).

¹ - Shageranski & pimirs

اهداف تربیت‌شهروندی در بیانات و اعلامیه‌هایی که توسط وزارتخانه‌های آموزش و پرورش آنها منتشر می‌شود، به طور صریح اعلام می‌شود (نظیر کشور سوئد و نیجریه). اما در کشورهای دیگری که به صورت متمرکز اداره می‌شوند، معمولاً یک برنامه یا کتاب درسی ویژه تجویز می‌شود و در کل کشور تدریس می‌گردد (تورنی¹، 1991). در پاره‌ای از موارد نیز در اینگونه کشورها فهرستی از کتب و برنامه‌های تأیید شده به مدارس ابلاغ می‌شود و مدارس از بین آنها دست به انتخاب می‌زنند (تورنی، 1991: 753).

آموزش‌های شهروندی که بر پایه اهداف و مقاصد خاص در نظر گرفته می‌شود، در هر جامعه شامل اهداف کلی؛ آموزش درباره شهروندی، آموزش از طریق شهروندی و آموزش به منظور شهروندی می‌باشد. آموزش درباره شهروندی به عنوان یک واقعیت تربیتی بر پایه آماده کردن دانش آموزان و افراد از نظر داشتن دانش کافی، درک تاریخ ملی و فهم ساختارهای زندگی سیاسی و مدنی متمرکز است. آموزش از طریق شهروندی در حوزه فرآیند تربیتی مستلزم یادگیری دانش آموزان و افراد، از طریق انجام فعالیت‌های کاملاً فعال تجربه‌های مشارکتی در مدرسه یا جامعه محلی و فراتر از آن است، این یادگیری عنصر دانش را تقویت می‌کند (آقازاده، 1385: 50). در برخی کشورهای جهان سوم، فهرستی از اهداف تربیت‌شهروند مطلوب تدوین شده و در آن‌ها تلاش شده تا با فروگذاری تفاوت‌ها، ویژگی‌های مهم شهروندان به تصویر کشیده شود. «لی» در مطالعه خود این اهداف را در دوازده کشور آسیایی بررسی نموده است. وی مهم‌ترین اهداف مذکور را شامل؛ فراهم آوردن مبنایی برای رشد روحی و روانی افراد، افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی و کمک به افراد در جهت دست‌یابی به شخصیت مستقل، دانسته است (لی²، 1999: 214).

اهداف تربیت‌شهروند مطلوب در ممالک توسعه‌یافته نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. برای نمونه؛ «بوتس»³ تاریخ‌دان برجسته تعلیم و تربیت آمریکا، مجموعه اهداف تربیت‌شهروندی را به دو دسته اساسی؛ هدف‌های مرتبط به وحدت و اتحاد در جامعه و

1. Torney

2. Lee, W.O

3. Butts

هدف‌های مرتبط با تکثرگرایی تقسیم‌نموده و زیر مجموعه هر یک از آن‌ها را به شرح زیر برشمرده است:

1) وحدت و اتحاد در جامعه شامل؛ عدالت، تساوی و برابری، قدرت و اقتدار، مشارکت، الزام شخصی برای خیرخواهی عمومی و مانند آن است.

2) تکثرگرایی شامل؛ آزادی، تنوع، حریم و حرمت شخصی، حقوق شخصی، حقوق بشر بین‌الملل و مانند آن است (بوتس، 1982:97).

در انگلستان فهرست مشابهی پیشنهاد شده که مهم‌ترین موارد آن شامل؛ آزادی، بردباری و تحمل، جوانمردی، احترام به حقیقت و احترام به استدلال و منطقی است (پورتنر¹، 1981). فتحی (2001) در پژوهشی ویژگی‌های شهروند خوب ایرانی را از طریق مطالعات نظری و میدانی مورد بررسی قرار داده است.

تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش ایران: در نظام آموزشی ایران محتوای متداول در این دوره مشتمل بر عناوین انس با قرآن، قصه، شعر و سرود، بازی، نقاشی، کاردستی، نمایش خلاق، بحث و گفت‌وگو، مشاهده، آزمایش، گردش علمی و تماشای فیلم و آشنایی با نحوه استفاده از فناوری‌های جدید است. این فعالیت‌ها در فرآیند تولید محتوای آموزشی، با نگاهی تلفیقی به حوزه‌های یادگیری دینی، اجتماعی، هنری، ریاضی، تربیت بدنی و علوم، طراحی و با هدایت مربی به روش فعال به اجرا در می‌آیند. لازم به ذکر است که تعیین صلاحیت‌های نیروی انسانی و استانداردهای فضا، تجهیزات و مواد آموزشی دوره پیش‌دبستانی و نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های آموزشی و پرورشی این دوره به عهده وزارت آموزش و پرورش است. هم‌چنین وزارت آموزش و پرورش موظف است زمینه تولید برنامه و محتوای آموزش‌های توجیهی برای مربیان، مسئولان و دست‌اندرکاران و نیز تولید کنندگان رسانه‌های آموزشی مراکز پیش‌دبستانی را فراهم کند (دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، 1387:9).

¹. Portner

جایگاه ارزش ها در تربیت شهروندی در ایران: ارزش ها، مشخص کننده نوع جامعه ای هستند که در آن پذیرفته شده اند، بنابراین ارزش ها متناسب با جوامع نسبی بوده و در جوامع گوناگون متفاوت هستند. پذیرش نظام ارزشی مشترک در جوامع یکی از عوامل مهم همبستگی و تعامل اجتماعی است.

با توجه به اینکه هر جامعه‌ای با عنایت به زمینه های فرهنگی و ارزشی خود شهروندان خاص با خصوصیات ویژه پرورش می دهد؛ و این امرضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه هرکشوری می باشد؛ باید آموزش های شهروندی حساب شده‌ای را برای تمام اقشار جامعه به طور وسیع در نظرگرفت که می توان آن را از رسمی ترین نظام آموزش کشور یعنی آموزش و پرورش آغاز کرد. «آموزش و تربیت شهروندی سرمایه گذاری برای آینده مورد نظر کشور در تمامی ابعاد است، برای اینکه شهروندان جامعه را به حقوق شهروندی شان آشنا کنیم، و از شهروندان جامعه این انتظار این را داشته باشیم که متعهد و مسئول باشند، از همان دوران کودکی مشارکت کردن در زمینه های مختلف را ترویج دهیم و یا به طور کلی در هر جامعه ای ارزش ها، طرز تلقی ها، بینش ها و مهارت ها به همراه الگوها و روش های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی را به شکل ویژه ای منتقل کنیم؛ پس نیازمند آموزش شهروندی و تربیت شهروندمداری می باشیم» (شیانی، 1394: 10).

ارزش های شهروندی در هر جامعه، مرتبط با چارچوب نظری شهروندی و هماهنگ با مقولات اصلی و مؤلفه های فرعی آن در جامعه است. یعنی در کنار حکومت مردمی یا مردم سالاری تمام ارزش های مربوط به حقوق، وظایف و آزادی های مندرج در قانون اساسی جای می گیرند در کنار هویت فردی ارزش های مربوط به شخصیت و رفتار فردی - اجتماعی مطرح می شود، در مورد هنجارها، ارزش های مربوط به رفتارهای اجتماعی مورد پذیرش جامعه مطرح می شود، در بعد مربوط به هویت ملی و انسجام اجتماعی ارزش هایی مطرح می شود که هویت ملی به صورت عام برای هر ایرانی وجود دارد. براین اساس زیر بنای نظری ارزشها در ایران، دین، اخلاق، قانون و آداب رسوم و سنتها هستند که چارچوب نظری و ابعاد شهروندی را تشکیل می دهند. به طور کلی ارزش ها قابلیت یک چیز یا فکر مشخص را برای برآورده کردن نیاز یا تمایل و آرزو بیان می کنند. ریشه

معنای ارزش در تفکر، شناخت و نگرش انسان است که شایستگی چیزهایی را قدر می‌نهد. ارزش‌های اجتماعی تمام ارزش‌هایی هستند که در زندگی اجتماعی نقش داشته و افراد یک جامعه آن را پذیرفته و قبول دارند. با این معنی ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی و کلیه ارزش‌هایی که انسجام و رشته‌های همبستگی را آسان می‌سازند به عنوان ارزش‌های، اجتماعی شناخته می‌شوند (آشتیانی، 1395: 75).

در نظام آموزشی ایران محتوای متداول در دوره پیش دبستانی مشتمل بر عناوین انس با قرآن، قصه، شعر و سرود، بازی، نقاشی، کاردستی، نمایش خلاق، بحث و گفت‌وگو، مشاهده، آزمایش، گردش علمی و تماشای فیلم و آشنایی با نحوه استفاده از فناوری‌های جدید است. این فعالیت‌ها در فرآیند تولید محتوای آموزشی، با نگاهی تلفیقی به حوزه‌های یادگیری دینی، اجتماعی، هنری، ریاضی، تربیت بدنی و علوم، طراحی و با هدایت مربی به روش فعال به اجرا در می‌آیند. لازم به ذکر است که تعیین صلاحیت‌های نیروی انسانی و استانداردهای فضا، تجهیزات و مواد آموزشی این دوره و نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های آموزشی و پرورشی این دوره به عهده وزارت آموزش و پرورش است. هم‌چنین وزارت آموزش و پرورش موظف است زمینه تولید برنامه و محتوای آموزش‌های توجیهی برای مربیان، مسئولان و دست‌اندرکاران و نیز تولیدکنندگان رسانه‌های آموزشی مراکز پیش دبستانی را فراهم کند (دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، 1387: 9).

در بعد رفتارهای فرهنگی ملی نقش آموزش و پرورش رسمی که به لحاظ پالایش ارزش‌های اجتماعی برای رفع نیازها با شناخت استعداد فراگیران و باروری آن با توجه به فرهنگ جامعه برنامه ریزی می‌کند بسیار حائز اهمیت است. از آنجا که محور یادگیری دانش آموز است، بنابراین توجه به ارزش‌های فرهنگی یادگیرنده از یک سو و هم‌جهت کردن آن با ارزش‌های فرهنگی ملی و آماده کردن آن برای سازگاری با جمع یا جامعه‌پذیری از سوی دیگر، اهمیتی خاص دارد. تحقق این مهم از طریق تدوین برنامه‌های درسی است. شناساندن ارزش‌های فرهنگی ملی و آگاهی از میراث فرهنگی مشترک از طریق برنامه‌های درسی به دانش‌آموزان زمینه‌شناسایی ارزش‌های برتر را نیز برای او فراهم می‌آورد. از طریق شناخت فرهنگ‌ها و قرار دادن مفاهیم آموزشی در قالب ارزش‌ها و ایجاد حس

قیاس در فراگیرنده و اعتلای جامعه و تقویت شهروندی، یک شهروند که در سازندگی جامعه مؤثر است، پدید می آید (عسکریان، 1385: 134).

در تربیت شهروندی اسلامی ایرانی، ارزش های اسلامی به تربیت شهروندی جهت و سمت و سوی الهی می بخشند این ارزش ها از قبیل ایمان، تقوا، آخرت گرایی، احترام به هم نوع، عدالت، توکل بر خدا و... در تمام شئون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی تأثیرگذارند. تربیت شهروندی اسلامی ایرانی، از طرف دیگر ملیت ایرانی را به منصفه ظهور می رساند که در آن ویژگی های ملت ایران نظیر شجاعت، همت، وطن دوستی، مردم سالاری دینی، علم دوستی نهفته است. بر این اساس می توان گفت که هر الگوی تربیت شهروندی متشکل از مؤلفه هایی است که مشخص شدن آنها شناخت کامل تری را از الگوی مربوطه میسر خواهد ساخت.

رویکرد موجود تربیت شهروندی در ایران: به نظر می رسد رویکرد موجود تربیت شهروندی در ایران تلفیقی از رویکرد های آموزشی مستقیم سیاسی، مدنی و انتقال فرهنگی است که به دنبال تربیت شهروندانی با سجایای اخلاقی، دینی و ارزش گراست تا به لحاظ اجتماعی و سیاسی افرادی موثر و مفید باشند. رویکرد غالب، رویکردی جامعه گرا، انسان گرا و اخلاق محور است که رشد فردی را در یک فضای دینی و مذهبی مدنظر قرار داده است. در رویکرد آموزشی مستقیم سیاسی-مدنی، نظام آموزشی آموزشهای مستقیم سیاسی-مدنی را در سه بعد دانش مدنی، مهارت های شهروندی و ارزش های شهروندی و مشارکت مدنی در قالب دروس مرتبط همچون تاریخ، ادبیات، علوم اجتماعی به دانش آموزان را در دستور کار خود قرار می دهد. در دیدگاه انتقالی فرهنگی نیز وظیفه مدرسه انتقال یا القای ارزش ها، سنت ها و اخلاقیات پذیرفته شده به وسیله دانش آموزان است. در این دیدگاه تربیت افراد از طریق بکارگیری روشهای کاملا دارای ساختار و کنترل شده به منظور انتقال فرهنگی است که توسط صاحب نظران تهیه شده. معلم مرجع اصلی یادهی - یادگیری است و مسولیت او انتقال دانش، ارزش ها و نقش های مختلف به دانش آموز است (فرمهبینی فراهانی، 1389: 252). از ویژگی های رویکرد غالب آموزش شهروندی (اجتماعی و سیاسی) در ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- § دارای رویکرد ساختاری و متمرکز است و در همه پایه‌های تحصیلی مورد توجه است
- § رویکرد آموزشی بیشتر تجویزی است و بین دو رویکرد تجویزی و تفکر نقاد درگیر است
- § آموزش عمدتاً محتوا محور است و کتاب‌های درسی نقش کلیدی در این زمینه دارد
- § به دنبال تربیت شهروندی با سجایای اخلاقی-شیعی است .
- § تاکید بیشتر بر مطالعه به جای کسب تجربه عملی است .
- § روش تدریس عمدتاً توضیحی، سخنرانی و یا پرسش و پاسخ است (فرمهبینی فراهانی، 1389: 253).

در جامعه ایران اهداف آموزش شهروندی را می‌توان به شرح زیر اشاره کرد:

- ü کمک به دانش‌آموزان در تعبیر و تفسیر ارزش‌ها و مفاهیمی که توسط وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و... منتقل می‌شود.
- ü توسعه حس قدرشناسی و تقدیر نسبت به میراث فرهنگی و تقویت هویت ملی؛
- ü افزایش آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی؛
- ü تقویت مبنای خانواده؛
- ü تقویت و تسریع رشد و توسعه اقتصادی؛
- ü پذیرش نظم و تبعیت از قوانین اجتماعی (فتحی، 1391: 87).
- ü براساس اهداف بالا، برنامه درسی شهروندی باید مشتمل بر موارد زیر باشد: آگاهی از محیط زیست، ارزش‌های اخلاقی، دموکراسی، صلح و حل تضادها، ارزش‌های شهری، هویت ملی و وطن پرستی، ارزش‌های خانوادگی، آگاهی از مسائل جهانی، تنوع و چندفرهنگی، تساوی جنسیت، استقلال شخصی.

نظام آموزش و پرورش علاوه بر آموزش و تعلیم این حقوق، در واقع هم حقوق را یاد می‌دهد و هم وظایف شهروندی و سایر وظایف را در دانش‌آموزان نهادینه می‌سازد. این نظام علاوه بر آشنایی دانش‌آموزان با حقوق اجتماعی خود، آنان را به تدریج با وظایف اجتماعی

خود به عنوان شهروند از طریق نهادینه کردن رفتار و نگرششان آشنا کرده و سهمی در جامعه پذیری افراد ایفا می‌کند.

فرایند تعلیم و تربیت در تمام ساحت های تعلیم و تربیت، شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیبا شناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای، تعلیم و تربیت علمی و فن آورانه منطبق بر نظام معیار اسلامی مبانی و ارزش های برگرفته از قرآن کریم، سنت حضرات معصومین (علیهم السلام) و عقل که تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد (متن کامل مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، 15:1390).

بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جهت گیری ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی دارای خصوصیات زیر می باشد:

- ü فطرت مداری (شروع از معرفت و میل ربوبی سرشته در وجود متربیان).
- ü تعالی مرتبتی (رعایت مراتب تشکیکی تدین و تخلق، با توجه به مراتب دین داری و اخلاق)؛
- ü جامع بودن بین روش موضوعی (در بعد بینش و دانش دینی) و روش تلفیقی (با سایر ساحت های تربیت و در بعد نگرش و عمل دینی).
- ü فعال بودن (تاکید بر نقش اصلی متربیان).
- ü مساله محوری (توجه به موضوعات و مسائل زندگی روزمره).
- ü چند بعدی بودن
- ü بهره مندی از میراث غنی و ارزشمند ادب پارسی برای توسعه و تعالی ارزش های دینی و اخلاقی.

نتیجه‌گیری

تربیت شهروندی به عنوان یکی از مهمترین عرصه‌های سیاسی - اجتماعی عصر ماست که در طول تاریخ به اشکال گوناگون و با تعابیر مختلف حقوقی، سیاسی و فلسفی رواج داشته است. امروزه به علت مسائلی همچون تمرکززدایی از قدرت، گسترش فوق‌العاده فناوری اطلاعات، دهکده جهانی و مسائل مشترک جهانی همچون آلودگی محیط زیست، صلح و امنیت جهانی باعث شده که تربیت شهروندی نه تنها در سطح ملی و محلی بلکه در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

صاحب‌نظرانی که چگونگی تحول مفهوم شهروندی را بررسی کرده‌اند در این نکته مشترکند که شهروندی هم حق افراد را برای برخورداری از حقوق به رسمیت می‌شناسد و هم مسئولیت جمعی شهروندان را که اداره با ثبات امور بر آن‌ها مبتنی است (شیانی، 1394:15). با توجه به انتظاری که در نظام تعلیم و تربیت در رابطه با پرورش همه جانبه قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان می‌رود به نظر می‌رسد تربیت اجتماعی و به تبع آن تربیت شهروندی از اهمیت اساسی برخوردار است. اگر چه شهروندی تنها شامل حقوق نیست و با مجموعه‌ای از تعهدات در قبال آن متوازن می‌شود اما این آگاهی از حقوق شهروندی است که شهروندان را نسبت به وظایف خود آگاه و متعهد می‌کند. بنابراین باید به آگاه ساختن همه مردم، بویژه نوجوانان و دانش‌آموزان بعنوان قشر وسیعی از جمعیت به حقوق شهروندی‌شان توجه ویژه‌ای مبذول داشت. دانش‌آموزان و نوجوانان به عنوان قشر تحصیل کرده جامعه در ارتباط زیاد با شعور جمعی و آگاهی عمومی قرار دارند. پس آگاهی آنان از حقوقشان در درجه اول راهی برای عمل به وظایف و تعهدشان است (شیانی، 1394:16). این یافته‌ها با نتایج پژوهش کاظمی زاده (1394)، چناری و کاظمی زاده (1394)، آلام و مک لافلین (2010)، سیرز و وون (2006)، احمد (2004) و هودسن (2003) تطبیق می‌نماید. کاظمی زاده (1394) در پژوهش خود ویژگی‌هایی مانند حریت، حکمت، تعاون، پابندی به تعهدات، رحمت، نزاهت، صداقت، عدالت، سماحت و شجاعت به عنوان ویژگی‌های یک شهروند خوب یا ایده آل اجتماعی در آیات و روایات اسلامی نام برد. همچنین نتایج پژوهش چناری و کاظمی

زاده (1394) نشان دادند که آزادی، تکثرگرایی، تسامح و تساهل، تفکر انتقادی، قانونگرایی و قانون مداری و دموکراسی از مؤلفه های تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام است. نتایج پژوهش آلام و مک لافلین (2010) نیز نشان داد هدف نظام آموزشی بایستی متمرکز بر ویژگی مسئولیت پذیری شهروندی از طریق آموزش مشارکت معنادار برای رشد مهارت های شهروندی الکترونیک، به نمایش گذاشتن مسئولیت، شرافت، اخلاق و احترام در عین داشتن رویکرد انتقادی و توانایی دخیل شدن در یادگیری به نحوی که نشان دهنده مسئولیت جمعی است، باشد. نتایج پژوهش سیرز و وون (2006) نشان داد ویژگی های ذیل برای شهروند مطلوب لازم است: توانایی مذاکره و مشارکت با دیگران، احترام به تفاوت ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی به دست آوردن داده ها، داشتن دانش درباره باورهای مستقل، مسئولیت پذیری و استقلال، آگاهی از باورها و دیدگاه های اساسی احزاب سیاسی عمده کشور و ایدئولوژی و فلسفه سیاسی. نتایج پژوهش احمد (2004) نشان داد که مدل تربیت شهروندی کشور پاکستان به طور عمده بر تربیت مذهب مبتنی است. در این مدل، هدف عمده، پرورش شهروندانی است که از طریق آموزه های قرآن به دولت و محل زندگی خود وفادار بمانند.

از دیدگاه هودسن (2003) فلسفه اساسی تربیت شهروندی باید دستیابی به اهدافی چون وفادری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در برابر قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش های بنیادین جامعه نظیر تساوی، برابری، علاقه، مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی باشد. آموزش شهروندی یک مفهوم متکثر و چند چهره است که ابعاد مختلفی همچون مسئولیت پذیری وحدت و تفاهم ملی، بردباری، قانون گرایی، درک و فهم اجتماعی مشارکت سیاسی و اجتماعی، صلح جویی، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی، مهارت زندگی، برابری و تنوع را شامل می شود. این یافته ها با نتایج پژوهش کاظمی زاده (1394)، چناری و کاظمی زاده (1394)، آلام و مک لافلین (2010) تطبیق و با نتایج پژوهش سیرز و وون (2006)، چیدو و مارتین (2005) و هودسن (2003) مرتبط می باشد. نتایج حاصل از پژوهش کاظمی زاده (1394) حاکی از آن

است که آزادی، تکثرگرایی، تسامح و تساهل، تفکر انتقادی، قانون‌مداری و مردم‌سالاری از مولفه‌های تربیت شهروندی در آیات و روایات اسلامی است. چناری و کاظمی زاده (1394) نیز در پژوهش خود نشان دادند که آزادی، تکثرگرایی، تسامح و تساهل، تفکر انتقادی، قانونگرایی و قانون‌مداری و دموکراسی از مولفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام است. نتایج پژوهش آلام و مک لافلین (2010) نشان می‌دهد هدف نظام آموزشی بایستی متمرکز بر ویژگی مسؤلیت‌پذیری شهروندی از طریق آموزش مشارکت‌معدار برای رشد مهارت‌های شهروندی الکترونیک، به نمایش گذاشتن مسؤلیت، شرافت، اخلاق و احترام در عین داشتن رویکرد انتقادی و توانائی دخیل شدن در یادگیری به نحوی که نشان‌دهنده مسؤلیت جمعی است، باشد.

نتایج پژوهش سیرز و وون (2006) نشان داد ویژگی‌های ذیل برای شهروند مطلوب لازم است: توانایی مذاکره و مشارکت با دیگران، احترام به تفاوت‌ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی به دست آوردن داده‌ها، داشتن دانش درباره باورهای مستقل، مسؤلیت‌پذیری و استقلال، آگاهی از باورها و دیدگاه‌های اساسی احزاب سیاسی عمده کشور و ایدئولوژی و فلسفه سیاسی. نتایج پژوهش چیدو و مارتین (2005) نشان می‌دهد آگاهی شهروندی دانش‌آموزان در آگاهی‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی بالا است، اما آنها نگرشی صحیح و کافی در مورد آگاهی‌های سیاسی ندارند.

همچنین نتایج پژوهش هودسن (2003) نشان می‌دهد فلسفه اساسی تربیت شهروندی باید دستیابی به اهدافی چون وفادری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در برابر قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش‌های بنیادین جامعه نظیر تساوی، برابری، علاقه، مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی باشد. نقش آموزش و پرورش در رابطه با پرورش همه‌جانبه‌قابلیت‌ها و توانایی انسان و در تربیت اجتماعی و به تبع آن آموزش شهروندی بر هیچ‌کس پوشیده نیست و بر پایه نظام آموزشی و تربیتی یک جامعه است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادی به خود می‌گیرد و عامه مردم به سمت فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می‌کنند. برنامه‌های آموزش

شهروندی از طریق آموزش و پرورش به دانش آموزان کمک می کند تا به رشد انگیزه های خود در عمل پردازند و سبک یک زندگی سالم را در مدرسه تجربه و درونی سازند. نظام آموزش و پرورش علاوه بر آموزش و تعلیم حقوق شهروندی، وظیفه شهروندی را نیز در درون دانش آموزان نهادینه می سازد و از طریق نهادینه کردن این حقوق سهمی در جامعه پذیری افراد ایفا می کند. علاوه بر این نقش های مهمی را می توان در الگو پذیری اجتماعی، کمک به آنها در جهت تربیت شهروندان الکترونیکی، آشنایی با فناوریها و امکانات رسانه ای ایفا می کند و با ارائه اخلاق مشارکتی، یک پل ارتباطی میان حقوق و مسولیتها برقرار می سازد. این یافته ها با نتایج پژوهش آشتیانی و همکاران (1385) و آلام و مک لافلین (2010) مطابقت دارد. آشتیانی و همکاران (1385) در پژوهش خود جای دادن ارزش های شهروندی در مقوله های فردی، ملی - فرهنگی، هنجارها و هویت مذهبی، هویت جهانی و مشارکت در برنامه درسی دبستان با توجه به سن و پایه را لازم و ضروری دانسته اند. نتایج پژوهش آلام و مک لافلین (2010) نشان می دهد هدف نظام آموزشی بایستی متمرکز بر ویژگی مسؤلیت پذیری شهروندی از طریق آموزش مشارکت معنادار برای رشد مهارت های شهروندی الکترونیک، به نمایش گذاشتن مسؤلیت، شرافت، اخلاق و احترام در عین داشتن رویکرد انتقادی و توانائی دخیل شدن در یادگیری به نحوی که نشان دهنده مسؤلیت جمعی است، باشد. با توجه به مطال فوق این نتیجه حاصل می شود که آموزش و پرورش یکی از مهمترین رکن های برنامه ریزی جامعه است و از آنجا که با قشر نوجوان و جوان سروکار دارد از طریق آموزش شهروندی به آنها می تواند در توسعه و پیشرفت کشور نقش مهمی داشته باشد.

امروزه با توجه به پیچیدگی های عصر جهانی شدن، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هدایت ملی و نظام ارزشی و مهارت های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن بیست و یکم، آماده کند. چرا که جهانی شدن نه فقط برای اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگها و نظام آموزشی و هویت مردمان نیز اثر دارد. فرآیند جهانی شدن خصوصیات ویژه ای را برای شهروندان قرن 21 می طلبد که می توان آنها را در سه قالب کلی بدین صورت برشمرد:

دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن؛

دانش مهارت و نگرش دموکراتیک؛

توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات؛

این سه مفهوم به شدت در هم تنیده شده، اثرات متقابل و چند جانبه‌ای دارند. فناوری اطلاعات: باعث نزدیکی سریع و آسان افراد و ملت‌ها شده است. این امر موجب شده است اگر تا دیروز مردم یک کشور به صورت محلی اندیشیده‌اند و به نحوه عمل دموکراتیک، در درون خود می‌اندیشیده‌اند، امروزه به اقدام دموکراتیک در سطح جهانی، بین ملت‌ها بیندیشند. فناوری اطلاعات باعث شده است تا جهان در عرصه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به یکدیگر وابسته گردد و این وابستگی، لزوم اندیشه و عمل جهانی را پدید آورده است.... در نهایت می‌توان گفت در قالب جهانی باید به صورت دموکراتیک عمل کرد و ابزار و عمل دموکراتیک، فناوری اطلاعات است. چرا که با توجه به فرآیند جهانی شدن، آینده تربیت به طور جدی متأثر از فناوری‌های اطلاعاتی خواهد بود.

همچنین نتایج مرتبط با ارزش‌شناسی تربیت شهروندی حاصل از این تحقیق را بصورت زیر قابل بیان است:

- از آنجائی که غایت تربیت از نظر اکثر مکاتب و دیدگاه‌های تربیتی رسیدن به نیکبختی است و در اسلام نیز قرب الهی مدنظر است. در تربیت شهروندی نیز مانند سایر انواع تربیت (تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت حرفه‌ای و...) از نظر اسلام، غرض رشد و تعالی انسانها به سوی کمال واقعی آنها یعنی قرب الی‌الله می‌باشد و هدف در تمام انواع تربیت، یکی است. در دیدگاه اسلامی، جامعه و روابط انسانی آن، رنگ الهی و عبادی به خود می‌گیرد و همه جنبه‌های گوناگون رفتار آدمی در جهت نیل به هدف غایی که کمال مطلوب اوست، معنا و مفهوم می‌یابد. اسلام دین اجتماعی است؛ این بدان معناست که راه خدایی شدن و بندگی، از مسیر اجتماع می‌گذرد و نمی‌توان جدا از مردم و اجتماع به بسیاری از کمالات انسانی دست یافت و یا پس از دست یافتن به کناری نشست و مسئولیت اجتماعی خود را در قبال دیگران به عهده نگرفت.

- جامعه انسانی را نمی توان به مانند موجود واحد زنده ای فرض کرد که از طریق نیروی هدایت کننده دولت، در جهت خیر و صلاح هدایت می شود. در جامعه، ارزشها و نقشها و خلاقیت های اجتماعی در وجود افراد به ظهور می رسد و رشد آن به نوبه خود از هدفهای اصیل و قابل توجه زندگی انسانها است.

- با بهره گیری از تربیت شهروندی است که افراد مشارکت در کارهای اجتماعی و پایبندی به حقوق شهروندی را می آموزند؛ هدف تربیت مدنی آماده کردن شهروندان برای زندگی در عرصه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطح منطقه ای، ملی و بین المللی است. می توان تربیت مدنی را از دیدگاه امام علی علیه السلام به این صورت تعریف کرد: تربیت مدنی جزئی از تربیت دینی است که هدف آن تربیت شهروندانی آگاه، متعهد به ارزش های اسلامی و پرورش مسئولیت و مشارکت در آنها و همچنین ایجاد مهارت های مدنی و اجتماعی در آنان برای دستیابی به رشد، تعالی الهی، تقویت کارکردهای مطلوب، هدایت حکومت و جلوگیری از انحراف احتمالی آنها است.

بر اساس نتایج این مطالعه انتقاداتی به رویکرد تربیت شهروندی موجود در ایران به شرح زیر می توان مطرح نمود:

پژوهش های انجام شده نشان می دهد میزان توجه به تربیت شهروندی در برنامه ریزی درسی در سطح چندان مطلوبی قرار ندارد و تأکید بر افزایش آگاهی و شناخت شهروندان است، تا افزایش توانایی و مهارت ها و ارتقا نگرش دانش آموزان. محتوای کتاب های تعلیمات اجتماعی و سایر کتب مرتبط در این زمینه کمتر موجب تحریک فکری دانش آموزان می شود و عمدتاً سطوح شناختی را مد نظر قرار می دهد.

- کمبود کتاب های راهنمای تدریس در زمینه علوم اجتماعی، آموزش تاریخ و یا تدریس مفاهیم اجتماعی کاملاً مشهود است. روش تدریس در دوره های مختلف تحصیلی با توجه به رویکرد غالب عمدتاً سخنرانی، توضیحی و یا پرسش و پاسخ است و کمتر از روش های فعال و مشارکتی که لازمه چنین آموزشی است، استفاده می کنند.
- کمبود متخصصان و کارشناسان خبره و برنامه ریزان درسی در زمینه های شهروندی و مدنی؛

- با توجه به هویت زن اسلامی و تقویت بینش سیاسی و اجتماعی دختران، این امر مهم کمتر در اصول و اهداف تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته است.
- وجود محیط کنترل شده و بسته در بسیاری از مدارس و همچنین محافظه کار بودن و نگرانی برخی از معلمان امکان تاثیر گذاری این آموزش را زیر سوال می برد.

پیشنهادات:

بر اساس پژوهش مذکور، شهروند مطلوب ایرانی باید در سه حیطه دارای صلاحیت‌های معین باشد که عبارتند از:

(1) شناخت مدنی: مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، اطلاعات و درک و فهم مدنی که مؤلفه‌های آن شامل؛ آگاهی از نحوه به دست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه عملکرد دولت، آگاهی از دیدگاه‌های احزاب عمده کشور، آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حقوق شخصی و بین‌المللی است.

(2) نگرش مدنی: مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، باورها و دیدگاه‌هایی که برای شهروند خوب ضروری است و مؤلفه‌های آن شامل؛ پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، داشتن اعتقادات و باورهای مستقل، داشتن روحیه مسئولیت پذیری، دارا بودن حس وطن پرستی، داشتن روحیه بردباری و تحمل، داشتن روحیه انتقادپذیری، دارا بودن روحیه قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت مذهبی و ملی است.

(3) توانایی مدنی: مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌ها که هر فرد برای زیست در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند به آن‌ها نیاز دارد و مؤلفه‌های آن نیز شامل؛ توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکا به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیمات منطقی و توانایی رفتار بر اساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب است.

بنابراین پیشنهادات پژوهش حاضر برای تربیت شهروندی در نظام آموزشی ایران به شرح زیر است:

- Ø مشارکت دانش آموزان در فعالیت های فوق برنامه چون علاوه بر برنامه درسی و تدریس در سطح مدرسه محیط های نظیر خانواده، گروه همسالان، مساجد، رسانه های گروهی بر یادگیری مدنی دانش آموزان موثر است.
- Ø رویکرد موثر در آموزش شهروندی باید، حقوق و مسئولیت ها را متقابلا مورد تاکید قرار دهد و علاوه بر شهر وند عمومی به شهروند خصوصی نیز توجه نماییم. بدین منظور لازم است با اتکاء به اخلاق مشارکت، یک پل ارتباطی میان حقوق و مسئولیت هابقرار کنیم.
- Ø ضرورت برنامه جامه آموزش شهروندی بین خانه، مدرسه و جامعه لذا نمی توان آن را منزله یک ماموریت تنها به مدرسه واگذار کرد.
- Ø از آموزش شهروندی باید به عنوان یک ابزار در جهت وحدت و انسجام اجتماعی استفاده کرد. آموزش پرورش رسمی لازم است زمینه ایجاد وحدت ملی و وفاق و انسجام اجتماعی را فراهم کند. و در حد توان به استقرار نظم اجتماعی و انتقال فرهنگ دینی، ملی و بومی از نسلی به نسل بعد کمک کند.
- Ø تدوین کتاب های کمک آموزشی برای کودکان به زبان ساده در زمینه آموزش شهروندی و تدوین کتاب های آموزش برای معلمان.
- Ø تاکید بر روش های تدریس فعال که برای آموزش سیاسی، اجتماعی از قابلیت شهری برخوردار است به عنوان روش تدریس غالب از این روش های فعال می توان، به روش حل مسئله، تفکر انتقادی، پژوهش گروهی و ایفای نقش اشاره کرد.
- Ø فراهم کردن زمینه مشارکت جدی بخش های دولتی و غیردولتی که به ویژه در زمینه تربیت اجتماعی، سیاسی و مدنی فعال اند(همچون نیروی انتظامی، شهرداری، NGOهای فعال در زمینه آموزش شهروندی).

کتابنامه

قرآن کریم

- افروغ، عماد، (1387)، حقوق شهر وندی و عدالت، تهران، انتشارات سوره ی مهر.
- انصاریان، حسین (1386)، سیری در نماز، تهران: انجمن خدمات اسلامی.
- آشتیانی، ملیحه؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد (1385)، «لحاظ کردن ارزش های شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان»، فصلنامه نوآوریهای آموزشی، 5(17):67-92.
- آشتیانی، ملیحه، (1393)، بررسی روش های مناسب لحاظ کردن ارزش های شهروندی با توجه به موازین دینی در برنامه درسی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش وزارت آموزش و پرورش.
- آقازاده، احمد (1385)، اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی های این گونه آموزش ها در کشور ژاپن، فصلنامه نوآوری های آموزشی، 17(5): 11-44.
- برخورداری، مهین و جمشیدیان، اکبر، (1387)، تربیت شهروندی (با تاکید بر مولفه ها)، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بوازار، مارسل (1358)، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مؤیدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پیرهادی، علی اکبر، (1375)، حقوق شهروندی، تهران، انتشارات سروش ملل.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (1388)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جمالی تازه کند، محمد؛ طالب زاده نوبریان؛ محسن؛ ابوالقاسمی، محمود (1392)، «تحلیل جایگاه مؤلفه های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه»، فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، 10(10):1-19.
- جناری، مهین (1387)، روش سقراطی به منزله راهبردی برای تربیت شهروندی، فصلنامه نوآوری های آموزشی، 7(27):137-154.

چناری، مهین و کاظمی زاده، زهرا (1394)، مقایسه مؤلفه های تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام و برنارد کریک، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، دانشگاه تربیت حیدریه.

حاجی پور، رضا (1389). آموزش شهروندی (آنچه شهروندان باید بدانند). انتشارات فرهنگ سبز.

حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.

حیدری، محمدحسین؛ نصرتی هشی، کمال؛ نریمانی، محمد؛ (1392): «اصول تربیت مبتنی بر مبانی ارزشی تربیت شهروندی از منظر اسلام»: نشریه مهندسی فرهنگی، 8 (76): 50-24.

دشتی، محمد (1389)، نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام)، چ 12، قم: انتشارات اشکذر.

سبحانی، جعفر (1382)، فقه الرضا (علیه السلام) فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم: مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (علیه السلام).

سیدی نیا، سید علی اکبر (1378)، کرامت انسانی و اقتصاد، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش 29: 111 تا 141.

شارع پور، محمود (1386)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر سمت.

شرفی، محمد رضا و طاهر پور، محمد شریف (1387). نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروندی. ماهنامه مهندسی فرهنگی، 2 (16 و 17).

شریعتمداری، علی. (1393) اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران انتشارات امیر کبیر

شریف الرضی، محمد بن حسین (1414ق)، نهج البلاغه، صالح، صبحی، ص 559، قم، هجرت.

شیانی، ملیحه، (1394)، وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن بابویه (1404ق)، عیون اخبار الرضا، چاپ اول، تحقیق شیخ حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طباطبائی، سید محمدحسین (1417ق)، المیزان فی التفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عباس زاده، محمد (1390)، ارزیابی محتوای کتب تعلیمات اجتماعی دوره ی راهنمایی بر اساس پرورش انواع مسئولیت‌پذیری و فرهنگ عمومی از دیدگاه معلمان شهرستان خوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

فتحی و اجارگاه، کورش و دیباو اجاری، طلعت (1391)، تربیت شهر وندی نشر کویر. فرمهبینی فراهانی، محسن، (1389)، تربیت شهروندی، تهران، انتشارات آبیژ.

کاظمی زاده، زهرا (1394)، اصول شهروندی و تربیت شهروند در آیات و روایات اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

کیشانی فراهانی، عزت‌اله؛ فرمهبینی فراهانی، محسن؛ رهنما، اکبر (1392)، مولفه‌های اساسی شهروندی ایرانی-اسلامی، فصلنامه مطالعات ملی، ش 56: 51-74.

کلینی، محمدبن یعقوب (1389)، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: مؤسسه الوفاء.

گلیار، حسین، (1381)، تاثیر آموزش و پرورش در تحقق جامعه مدنی و نظام مردم‌سالاری دینی، تهران. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.

لطف‌آبادی، حسین (1385)، «آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره 17، سال پنجم.

متقی‌الهندی، علاء‌الدین بن حسام‌الدین (1409ق)، کنز العمال فی احادیث الأقوال و الفعال، بیروت: مؤسسه الرساله.

مجتهد زاده، اصغر (1377). بررسی تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

محدثی، جواد (1381)، پیامهای عاشورا، چ 4، تهران: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

منافی شرف‌آباد، کاظم؛ الهام. ژمانی و علی مهدوی خواه (1392). تربیت شهروندی. تهران: سپهر رایان گستر.

میرمدرس، موسی؛ (1380)؛ جستاری در جامعه مدنی و جامعه دینی، قم: بوستان کتاب.
 نریمانی، محمد (1389)، بررسی میزان رعایت مبانی، اصول و مولفه‌های تربیت
 شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی با نظرسنجی از دانش‌آموزان متوسطه شهر اصفهان،
 پایان‌نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه اصفهان - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی .
 ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (1410ق)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف
 بمجموعه ورام، ج 1، ص 201، قم، مکتبه الفقیه.
 هویدا، نادری. رضا، ناهید. (1388). بررسی سطح رفتاری شهروندی سازمانی کارکنان.
 پژوهشنامه مدیریت اجرایی، 9 (1 پیاپی): 118-103.

Ahmad, Iftikhar (2004). Islam, Democracy and Citizenship Education: An Examination of the Social Studies Curriculum in Pakistan. Current Issues in Comparative Education. Vol.7, No.1

Butts.R.F(1982) The Revival or Civic Education. Phi Delta Kappa.ducation Foundation- Bloomington, Indiana.

Fathi, k. (2001). regired chractics for good citizenship Australian curriculum studies: Association Canberra Australia.

Hudson,W(2001)Religious Citizenship.Internet. www,gfu.ac.edu

Lee, W,O (1999):Qualitics of Citizenship for the New Century: Perceptions of Asian Educational Leaders. Paper Presented at the Fifth UNESCO-ACEID International Conference on Refoming Learning, Curriculum and Pedagogy.Bangkok, Thailand 13- 16DC.

Osler, Andrey (1997).Training and Youth to the development of citizenship with European dimension. The university of Birmingham. Retrieve from <http://leeds.academia.edu/AudreyOsler>.

Portner,G.(1981) Citizenship Education. Englewood Cliffs, NJ:Prentic Hall.

Torney, Purta, J (1991), Civic Education, In: International Encyclopedia of Curriculum, pergamon press.

